

## تجربه‌گرایی محض در جامعه‌شناسی آمریکا

ابراهیم انصاری\*

### چکیده:

محور اصلی بحث، بنیان‌های جامعه‌شناسی تجربی در آمریکا می‌باشد. از مشخصات این جامعه‌شناسی که بین دو جنگ جهانی اول و دوم رشد پیدا کرده‌است پرداختن به روش‌شناسی جامعه‌شناسی خاصه روش‌های ریاضی و فنون تحقیق است. به نظر این جامعه‌شناسان، جامعه‌شناسی تنها در صورتی قادر خواهد بود که واقعیت‌های اجتماعی را به شکل علمی ارائه دهد که به ساختن متغیرها و شاخصها و تفسیر آماری و دسته‌بندی عناصر جزئی بپردازد. در این مقاله کوتاه از طریق روش تاریخی و تطبیقی به آثار جامعه‌شناسان در مقطع زمانی بین دو جنگ جهانی پرداخته و چنین نتیجه‌گیری شده‌است که تمایل به علمی کردن جامعه‌شناسی در این دوره شامل: ۱- تمایل به تحقیق تجربی موارد معین ۲- تمایل به تبیین وقایع اجتماعی به وسیله علل متعدد ۳- تمایل به

تحقیقات آماری و اصالت کمیت.

## واژه‌های کلیدی

- تجربه‌گرایی empiricism
- تفکر قیاسی deductive thought
- تفکر استقرایی inductive thought
- فلسفه اثباتی Positive philosophy
- جامعه‌شناسی تجربه‌گرا empiricist sociology
- تجربه‌گرایی انتزاعی abstracted empiricist

## مقدمه

تجربه‌گرایی (empiricism) بینشی فلسفی است که از آغاز دوره رنسانس همزمان با عقل‌گرایی سنتی و به‌عنوان مقابله با آن شروع (تحقیق علمی را حکمای یونان آغاز کردند. منشأ مثبت‌گرایی به ارسطو و متفکران اسلامی می‌رسد) و گسترش یافت و برخلاف عقل‌گرایی که تفکر عقلانی و منطقی را وسیله اصلی دستیابی به شناخت می‌دانست ارزش بیشتری برای مشاهده و آزمایش و یا به‌عبارت دیگر تجربه به‌عنوان منبع و مآخذ شناخت قایل بود و به جای تفکر قیاسی (deductive) بر تفکر استقرایی (inductive) تأکید داشت. این طرز تفکر به فرانسیس بیکن، توماس هابس، جان لاک، جرج برکلی، دیوید هیوم، جان استوارت میل، ارنست ماخ و برتراند راسل نسبت داده می‌شود.<sup>(۱)</sup>

بنیانگذاران جامعه‌شناسی در آمریکا تحت تأثیر جنبش‌های فکری اروپا قرار داشتند. آنها با آثار آگوست کنت و هربرت اسپنسر آشنایی داشتند و تحت تأثیر آنها و مکتب پوزیتیویسم معتقد بودند که جامعه‌شناسی می‌بایست علوم طبیعی را سرمشق قرار داده و تنها به تشریح و تحلیل یافته‌های تجربی بپردازد و از طریق آنان به‌طور استقرایی به مجموعه کلی تری از شناخت دست یابد. تفاوت جامعه‌شناسی آمریکایی

و اروپایی از همان آغاز جامعه‌شناسی در آمریکا محسوس است. تجربه‌گرایی در جامعه‌شناسی آمریکایی در مقابل گرایش فلسفی جامعه‌شناسی اروپایی، خصوصاً آلمانی و فرانسوی است.

## روش

روش عمده به کار گرفته شده در این مقاله، از نوع روش اسنادی و کتابخانه‌ای و تطبیقی است. بررسی و مقایسه نظریه‌های جامعه‌شناسی در آمریکا و اروپا می‌باشد.

## نتایج

از آنچه بیان می‌شود می‌توان نتیجه گرفت که جامعه‌شناسی، در آمریکا شامل چهار مرحله است. مرحله اول پیدایش و رشد جامعه‌شناسی مرحله دوم جامعه‌شناسی بین دو جنگ جهانی اول و دوم، مرحله سوم از جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۹۷۰ و مرحله چهارم از دهه ۱۹۷۰ تا کنون. مرحله سوم که موضوع مورد بررسی این مقاله است دارای مشخصات و ویژگیهای زیر است:

- ۱- به کار بردن مدل‌های علوم طبیعی و فیزیکی و تعمیم قوانین طبیعی بر جامعه انسانی و رفتاری آدمی
- ۲- اعتقاد به این که می‌توان از قوانین معین و دقیق اجتماعی برای پیش‌بینی آینده و جهت دادن به تحولات اجتماعی و اصلاحات اجتماعی سود جست.
- ۳- برعکس جامعه‌شناسان اثباتی قرن نوزدهم که از روشهای قیاسی استفاده می‌کردند پیروان مکتب جدید اثباتی به روشهای استقرایی و تجربه محض اعتقاد داشتند.
- ۴- برعکس جامعه‌شناسی اثباتی کلاسیک که به نگرش تاریخی و اعتقاد به تحول و تکامل جامعه بشری داشتند پیروان مکتب اثباتی جدید خود را به زمان و مکان معینی در تحقیقات اجتماعی محدود می‌نمودند و آنرا از ویژگی علمی کار خود می‌پنداشتند.

۵- جستجو برای یافتن قوانین عملی رفتار انسانی که معادل با قوانین موجود در علوم طبیعی است.

## بحث

در ابتدا، مراحل رشد جامعه‌شناسی را در آمریکا بررسی نموده و سپس به تمایلات کنونی جامعه‌شناسی که تجربه‌گرایی محض است خواهیم پرداخت.

### ۱- مراحل رشد جامعه‌شناسی در آمریکا

جامعه‌شناسی در آمریکا در طول بیش از یک قرن و نیم عمر خود از چهار مرحله گذشته است. مرحله اول پیدایش و رشد جامعه‌شناسی است که از پیدایش جامعه‌شناسی در اروپا در دهه ۱۸۴۰ شروع می‌شود و تا جنگ جهانی اول ادامه پیدا می‌کند. تسلط و برتری جامعه صنعتی مناطق شرقی آمریکا با جنگ داخلی به دست آمد. توسعه مناطق شهری، رشد طبقه متوسط، فقر و بیکاری، نگرانی انبوه کارگران مهاجر، جنایت و بزهکاری جوانان، بحرانهای خانوادگی و روابط نژادی، جنبش‌های کارگری روبه رشد و غیره. در واقع جامعه‌شناسی برای آمریکاییان وسیله خویشتن‌شناسی گردید و رشد و توسعه یافت خصوصاً که دولت و بنیادهای خیریه (راکفلر، کارنگی، فورد و دانشگاه شیکاگو و غیره) کمک‌های مؤثری به این قبیل پژوهشها کردند.<sup>(۲)</sup>

دقیق‌ترین زمان پیدایش جامعه‌شناسی در ایالات متحده را معمولاً سال ۱۸۹۲ در نظر می‌گیرند، یعنی هنگامی که الیون اسمال به دانشگاه شیکاگو رفت و اولین بخش جامعه‌شناسی را در آنجا بنا نهاد. هر چند بخش کانزاس سه سال پیش از دانشگاه شیکاگو تأسیس شده بود. ولی سرانجام با ورود بسیاری از فارغ‌التحصیلان شیکاگو جهت تدریس در کرسی استادی کانزاس و بسیاری دیگر از دانشگاهها در میدوست و سراسر ایالات متحده بود که این بخش سر و سامان پیدا کرد.<sup>(۳)</sup>

در این مرحله افرادی چون اسمال، سامتر، وارد، توماس و زنانیکی، گیدینگر،

کولی و راس می‌باشند که همه در انجمن جامعه‌شناسان که در سال ۱۹۰۶ تشکیل گردید حضور داشتند و در واقع با نگرش پوزیتیویستی اهداف جامعه‌شناسی را به شرح زیر اعلام داشتند:

۱- وظیفه جامعه‌شناسی کشف قوانین علمی رفتار انسانی است که همچون قوانین لایتغیر طبیعی عامل و شامل است.

۲- جستجوی قوانین حاکم بر سیر خلل‌ناپذیر تکامل اجتماعات بشری به سوی ترقی و تعالی جامعه بهتر.

۳- استفاده عقلانی از قوانین طبیعی رفتار اجتماعی و قوانین حاکم بر تحولات و تغییرات اجتماعی برای اصلاحات اجتماعی و تبدیل وضع کنونی به یک رژیم عقلانی.

۴- تصور جامعه انسانی به عنوان مجموعه‌ای که از افراد آن پدید آمده و توجه به انگیزه‌ها و اسباب و محرکات رفتار اجتماعی انسان که از لوازم کشف قوانین عمومی رفتار و پدیده‌های اجتماعی است.<sup>(۴)</sup>

مرحله دوم جامعه‌شناسی بین دوم جنگ جهانی اول و دوم است. مشخصه این دوره علمی کردن جامعه‌شناسی و مکتب جدید اثباتی است. در این دوره جامعه‌شناسی از لحاظ کمی و کیفی رشد سریعی پیدا کرد. ویژگیهای جامعه‌شناسی در این دوره عبارتند از:

الف. تمایل به علمی کردن جامعه‌شناسی: جامعه‌شناسان این دوره با عنایت به روش استقرایی در تحقیقات اجتماعی توجه خاصی کردند. علوم طبیعی به عنوان مدل مناسبی برای جامعه‌شناسی شناخته شد و به توصیف دقیق و تحلیل تطبیقی رفتار واقعی پرداختند.

ب. تمایل به تبیین علل متعدد وقایع اجتماعی: در دوره اول جامعه‌شناسان به تبیین وقایع اجتماعی توسط یک عامل پرداختند (علت واحد). مانند علت زیست‌شناختی (نظریه تکامل)، اقتصادی، محیطی و غیره. در حالی که در این دوره به عوامل متعدد توجه نمودند و آنرا به عنوان یکی از ویژگیهای علمی بودن جامعه‌شناسی تعبیر کردند.

ج. تمایل به استفاده از روشهای کمی و آماری: در این مرحله جامعه‌شناسان آمریکایی به پژوهش‌های آماری توجه ویژه‌ای مبذول داشتند و استفاده از روشهای کمی را به‌عنوان علمی بودن جامعه‌شناسی تلقی نمودند که تا امروز هم این عنایت ویژه ادامه دارد.

پل لازارسفلد که یکی از جامعه‌شناسان معروف این دوره است از این مرحله از جامعه‌شناسی به‌عنوان جامعه‌شناسی کلان نام می‌برد. «می‌توانیم جامعه‌شناسی کلان را فرایند رشد و نمو جامعه‌شناسی بنامیم. نخستین مرحله جامعه‌شناسی کلان، نشان دهنده علاقه نسبتاً عمومی به تحلیل اجتماعی است که مشخص‌کننده جامعه‌شناسی اروپایی قرن نوزدهم است. دومین مرحله در اینجا به‌عنوان جنبشی توصیف می‌شود که در بطن آن، جامعه‌شناسان همه کشورهای سعی دارند دامنه اهداف را توسعه دهند و فنون تحقیق و وسایلی را که منتهی به نتیجه‌گیری می‌شود، تعریف کنند. سومین مرحله یعنی مرحله به قاعده درآوردن هنوز فرا نرسیده است»<sup>(۵)</sup>.

مرحله سوم که از جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۹۷۰ می‌باشد شامل جامعه‌شناسی تجربی، کارکردگرایی ساختی، جامعه‌شناسی تفهمی، کنش متقابل نمادی، پدیدارشناسی، اتنومتدولوژی (روش‌شناسی مردمی) و جامعه‌شناسی تجربی انتقادی می‌باشد. موضوع این مقاله یک بخش از مرحله سوم یعنی جامعه‌شناسی محض\* می‌باشد. مرحله چهارم که از پایان دهه ۱۹۷۰ تاکنون می‌باشد که شامل همه گرایشهای جامعه‌شناسی با برد کلان، متوسط و خرد است.

مکتب اثباتی جدید که در مرحله دوم جامعه‌شناسی به وجود آمده و نقطه اوج آن در مرحله سوم می‌باشد، امروز تحت عنوان جامعه‌شناسی تجربی (محض) شناخته شده است. این مکتب به کار بردن مدل‌های فیزیکی و ریاضی و تعمیم قوانین فیزیکی را بر رفتار اجتماعی انسان، یگانه راه مطالعه دقیق و علمی رویدادهای اجتماعی می‌داند. به نظر طرفداران این مکتب، لازارسفلد، لاندبرگ، بلالاک و

\*- Abstracted empiricist sociology

دیگران.<sup>(۶)</sup> از آنجا که علوم طبیعی در شناخت پدیده‌های طبیعی براساس داده‌های تجربی موفقیت‌های چشم‌گیری به دست آورده‌است، جامعه‌شناسی تجربی نیز باید مبانی خود را بر علوم طبیعی استوار سازد تا از این راه به شناخت واحدی از امور انسانی و طبیعی با اعمال روشها و تعمیم نتایج حاصله در این علوم موفق آید. آنچه که بر دیدگاه روش‌شناسی جامعه‌شناسی تجربی در آمریکا حاکم است در نقل قول زیر خلاصه می‌گردد:

«پس از تدوین فرضیه‌ها کار اصلی تحقیق آغاز می‌شود. محقق قبل از هر چیز به تعریف مفاهیم مندرج در هر فرضیه می‌پردازد و برای مفاهیم تعریف شده شاخص‌هایی که به عدد قابل تبدیل و بیان‌اند، معین می‌دارد و سپس به گردآوری داده‌ها در باب شاخص‌های تعیین شده همت می‌گمارد. داده‌هایی را که از این طریق به دست آمده‌اند در جداول یک بعدی (بیشتر توصیف پدیده مورد بررسی)، دوبعدی و یا بیشتر جای داده می‌کوشد تا با استعانت از آزمون‌های ریاضی و آماری درباره وجود رابطه، عدم دخالت تصادف در روابط مشهود، میزان پایداری روابط کشف شده، بامعنا بودن روابط، شدت رابطه و عوامل مداخله‌گر، تسهیل‌کننده و باز دارنده و بالاخره پارامترهای مرتبط به بحث نشینند، داده‌ها را تفسیر کند و نتایجی را استنتاج و یافته‌ها را به همراه بیان شیوه کار و کاستی‌های آن با اندرزهایی برای آیندگان در معرض نقد و نظر دیگران قرار دهد و امیدوار باشد تا گره‌ای از کاری گشوده و گامی هر چند ناچیز در جهت بهروزی آدمیان فانی برداشته شود».<sup>(۷)</sup>

جامعه‌شناسان زیادی در این دوره مطرح هستند که به تحقیقات تجربی پرداختند و معتقد بودند که بدون داشتن روشهای کمی نمی‌توان جامعه‌شناسی را در ردیف سایر علوم درآورد. این جامعه‌شناسان عبارتند از: لاندبرگ (Lundberg)، لازارسفلد (Lazarsfeld)، اگبرن (Ogburn)، راس (Ross)، چپین (Chapin)، گیدینگر (Giddinger)، گیلین (Gillin) و داد (Dodd). در اینجا اشاره مختصری به لاندبرگ و لازارسفلد می‌نماییم.

لاندبرگ تحت تأثیر اگوست کنت و مکتب اثباتی جدید معتقد بود که تحولات

فکری و دانش بشری از مراحل سه‌گانه مذهب، فلسفی و علمی عبور کرده است و امور انسانی را همراه با امور زیستی و طبیعی با استفاده از قوانین فیزیکی، می‌توان تحلیل کرد.<sup>(۸)</sup>

#### الف. اصالت کمیت

به نظر او روشهای کمی دقیق، کم‌خرج و خالی از تعصبات و تعلقات ذهنی بوده و چون همه پدیده‌های قابل مطالعه علمی کمیت پذیرند. به نظر لاندبرگ علم دارای روشی واحد است که همان روش کمی و آماری است.

#### ب. اصالت رفتار

لاندبرگ از به‌کار بردن مفاهیمی چون احساس، هدف، انگیزه، اراده و ارزشها در تحقیقات به شدت پرهیز می‌کرد، به نظر وی برای کشف قوانین رفتار اجتماعی باید از تصورات و نظریه‌ها و تکنیکها و روشهای علوم طبیعی استفاده شود. تنها آنچه که موجب تحرکات عینی و خارجی رفتار است می‌بایست مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد.

#### ج. اصالت تعریف علمی

به نظر لاندبرگ در هر کار علمی مسأله اساسی آن است که سودمندترین تعریف را که همان تعریف عملی (Operational definition) است به دست دهد. تعاریف عملی راهها یا عملیاتی را که برای تعیین اندازه‌گیری پدیده‌های مورد مطالعه در نظر گرفته شده است، معین و مشخص می‌سازند.<sup>(۹)</sup>

پل لازارسفلد از جامعه‌شناسان دیگر جامعه‌شناسی تجربی در آمریکا است که تحقیقات تجربی در جامعه‌شناسی را در دانشگاه کلمبیا برای مدتی مدید رهبری کرده است. «از بررسی آثار لازارسفلد چنین برمی‌آید که دل‌مشغولی او، پرداختن به روش‌شناسی علوم اجتماعی خاصه روشهای ریاضی و فنون تحقیق است. وی زبان ریاضی را به سبب دقتی که در آن نهفته است بر تأملات فلسفی کلی ترجیح می‌داد. به نظر او جامعه‌شناسی تنها در صورتی قادر خواهد بود که واقعبتهای اجتماعی را به شکل علمی ارائه دهد که با ساختن متغیرها و شاخصها و تفسیر آماری و دسته‌بندی



عناصر جزئی و موضوعات سنجش‌پذیر، به تشکیل جداول چندبعدی و پیچیده از واقعیت دست یازد. اعتقاد او بر این است که جامعه‌شناسی، دانش جوانی است که تازه از فلسفه جدا شده و باید هر چه بیشتر به بررسی‌های جزئی بپردازد تا شاید روزی بتواند براساس تحقیقات تجربی همه‌جانبه به صدور احکام نظری برسد.<sup>(۱۰)</sup>

لازارسفلد معتقد است که یکی از وظایف اساسی جامعه‌شناسی تجربی تبدیل مفاهیم به شاخصها است. این تبدیل در چهار مرحله باید انجام گیرد:

۱- نمایش استعاری مفاهیم ۲- ویژگی بخشیدن به مفاهیم ۳- انتخاب معرفیها

۴- تشکیل شاخص‌های تلفیقی

در مرحله اول لازارسفلد می‌گوید: «اندیشه و تحلیلی که در آخر، به ابزار طبقه‌بندی منتهی می‌شود، در ابتدا از یک تصور ذهنی و یک نمایش استعاری ناشی می‌شود که تا حدی مبهم است. پژوهشگر می‌تواند از میان نمودهای گوناگون، خصوصیت مشترک نامشهودی کشف کند»<sup>(۱۱)</sup> مرحله دوم ویژگی بخشیدن به مفاهیم است که تصاویر استعاری به اجزاء تجزیه شود. «هر مفهوم به صورت و جوه مختلف و ابعاد گوناگون و غیره تعریف می‌شود. از نظر جامعه‌شناسی، عوامل متشکله، گاهی از مفهوم کلی که آنرا دربر گرفته، استنتاج می‌شود و از نظر تجربی، گاهی از همبستگیهای موجود استنباط می‌گردد. مفهوم، بیشتر با ترکیب پیچیده‌ای از نمودها مطابقت دارد تا با نمود ساده‌ای که مستقیماً قابل مشاهده باشد»<sup>(۱۲)</sup>

مرحله سوم انتخاب معرف و یا شاخص است. معرف یا شاخص عبارت از مفهوم یا عددی که اندازه کمیت معینی را مشخص می‌کند برای مفاهیمی بکار می‌رود که در سطح نسبی، قابل اندازه‌گیری است. یک اندازه‌گیری مرکبی است که برای نشان دادن اجزاء مختلف تشکیل دهنده یک مفهوم که از یک رشته از معرف که به طور ساده‌ای با یکدیگر جمع شده‌اند، بکار می‌رود.

مرحله چهارم تشکیل شاخص‌های تلفیقی، پس از آنکه معرفیها انتخاب شدند

آنها را با یکدیگر تلفیق می‌نمایند. لازارسفلد در کتاب انتخاب مردم\* در سال ۱۹۴۴ که درباره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۴۰ است، می‌خواهد عوامل موثر در تصمیم‌گیری را مشخص نماید. داده‌های بررسی از یک جمعیت نمونه تصادفی است که پرسشگران در حوزه انتخابی شهری، ایالت اوهایو از میان کل جمعیت بالغ ناحیه اری معرفه‌هایی چون سن، جنس، وضعیت مسکن، وضعیت تحصیلی، مالکیت یا عدم مالکیت تلفن، اتومبیل و منشأ قومی انتخاب می‌شوند که سرانجام این معرفها ترکیب شده و سه شاخص عمده ساخته می‌شود: خصوصیت اجتماعی پایگاه اقتصادی - اجتماعی، تعلق دینی و محل سکونت (شهر یا ده). «داشتن یک پایگاه بلند اقتصادی، اجتماعی پروتستان بودن و سکونت در روستا شرایط مساعدی برای موافقت با نامزد جمهوریخواهان ایجاد می‌کند. به کمک همین سه عامل محققان توانسته‌بودند شاخصی بسازند که ظرفیت پیش‌بینی زیادی داشت.»<sup>(۱۳)</sup>

### پی‌نوشتها

- 1- Johnson, Terry and Dandeker. (1984) *The Structure of Social Theory*, Macmillan, New York, P. 31.
- ۲- اشرف، احمد، ۱۳۴۶، جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ص ۵.
- ۳- ریتزر، جرج، ۱۳۷۵، بنیان‌های جامعه‌شناسی، ترجمه تقی آزاد ارمکی، نشر سیمرغ، تهران، صص ۱۱۱-۱۱۲.
- ۴- اشرف، احمد، پیشین، ص ۵.
- ۵- لازارسفلد، پل، ۱۳۷۰، بینش‌ها و گرایشهای عمده در جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه و تدوین دکتر غلامعباس توسلی، انتشارات امیرکبیر، تهران، صص ۴۱-۴۲
- 6- Johnson, Terry, OP. Cit, PP. 34-35

\*- Peoples Choice

۷- پیران، پرویز، نیم‌نگاهی به فنون گردآوری اطلاعات در علوم اجتماعی، مجله رونق، سال اول شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۶۹، ص ۴

Johnson, Terry, OP. Cit, P.44.

۹- اشرف، احمد، ۱۳۴۶، رشد جامعه‌شناسی در آمریکا، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ص ۵۷

۱۰- لازارسفلد، پل، پیشین، ص ۹.

۱۱- همان، ص ۲۴

۱۲- همان، ص ۲۴

۱۳- نیکاگهر، عبدالحسین، ۱۳۶۹، جامعه‌شناسی، انتشارات رایزن، تهران، ص ۴۴۵.

## منابع

1- Johnson, T. and Dandeker, C. 1984. The Structure of Social Theory, Mamillan, New York.

2- Wells, Allen. ed. 1978. Contemporary Sociological Theory Good year Publishing Company.

3- Tamin, M. 1964 Social Stratification, Prentice Hall Englewood Cliffs.

۴- اشرف، احمد، ۱۳۴۶، جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی در آمریکا، انتشارات مؤسسه مطالعات تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.

۵- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۶۰، کند و کاوها و پنداشته‌ها، شرکت انتشار تهران،

۶- لازارسفلد، پل، ۱۳۷۰، بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه و تدوین دکتر غلامعباس توسلی، انتشارات امیرکبیر، تهران.

۷- ریتزر، جرج، ۱۳۷۵، بنیان‌های جامعه‌شناسی، ترجمه تقی آزاد ارمکی، نشر سیمرغ، تهران.

۸- ریتزر، جرج، ۱۳۷۴، نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.

۹- میلز، سی‌رایت، ۱۳۶۰، بینش جامعه‌شناختی، نقدی بر جامعه‌شناسی آمریکایی،

ترجمه عبدالمعبود انصاری، شرکت انتشار، تهران

۱۰- نیک‌گهر، عبدالحسین، ۱۳۶۹، جامعه‌شناسی، انتشارات رایزن، تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی